

فقه و مبانی حقوق اسلامی

Jurisprudence and the Essentials of Islamic Law
Vol. 53, No. 1, Spring & Summer 2020

سال پنجاه و سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۴۳-۲۵ (مقاله پژوهشی)

DOI: 10.22059/jjfil.2020.291090.668904

ابعاد جزایی FATF (گروه ویژه اقدام مالی مشترک) از منظر فقه و حقوق اسلامی

محمد اسحاقی^۱، بهزاد شاهنده^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۹)

چکیده

زمینه و هدف: موضوع پیوستن جمهوری اسلامی ایران به FATF (گروه ویژه اقدام مالی مشترک) به یکی از موضوعات چالش برانگیز در عرصه سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. این گروه بیش از چهل توصیه و درخواست، از جمله جرم‌انگاری پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در مجلس قانونگذاری را از جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. این پژوهش در صدد بررسی فقهی و حقوقی توصیه‌ها و آرایه پیشنهاد نحوه اقدام نظام سیاسی و تقنینی ایران در قبال آنها است.

روش پژوهش: توصیفی، تحلیلی و استنباطی است و جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: اولاً: بر اساس آیات، روایات و ادله فقهی، پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم حرام است؛ ثانیاً: برداشت‌های گروه مذکور در خصوص تعریف و مصادیق تروریسم و نحوه مبارزه با آنها برخلاف مبانی و احکام اسلامی و منافع و مصالح ملی و قانون اساسی است؛ ثالثاً: با توجه به مفاد کنوانسیون‌های مربوط، امکان استفاده از حق شرط از سوی ایران مبهم و مورد تردید است؛ رابعاً: الحاق به کنوانسیون‌های مربوط، براساس قواعد و احکام فقهی و حقوقی صحیح نیست و مداخله در نظام قانونگذاری کشور محسوب می‌شود.

نتایج: در چارچوب اختیارات حاکم اسلامی و در قالب برخی از جرایم حدی و تعزیرات حکومتی می‌توان برای پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم جرم‌انگاری و مجازات تعیین کرد. به همین خاطر لازم است جرم‌انگاری آنها مستقلاً و در چارچوب مبانی و احکام اسلامی و منافع و مصالح ملی در مجلس شورای اسلامی صورت گیرد.

کلید واژه‌ها: اف.ای.تی.اف، پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، فقه جزایی، گروه ویژه اقدام مالی مشترک.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)؛

Email: m.eshaghi.a@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران؛ Email: behzad3050@yahoo.com

۱- مقدمه

تاکنون کنوانسیون‌ها و قوانین زیادی در عرصه بین‌المللی برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته و فراملی، تصویب شده و کشورها تلاش کردند تا با انعقاد معاهدات بین‌المللی جزایی به مبارزه با این نوع جرایم بپردازند. بدون شک معاهدات بین‌المللی در تمامی موضوعات سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... دارای اهمیت است؛ لیکن معاهدات بین‌المللی جزایی به این دلیل که اغلب مستلزم اصلاح قوانین جزایی داخلی می‌باشد، دارای حساسیت بیشتری است و در پذیرش آنها الزامات و شرایطی وجود دارد. یکی از سازمان‌هایی که از سوی برخی از کشورها برای مبارزه با جرایم بین‌المللی تأسیس شده است، گروه ویژه اقدام مالی مشترک (FATF)^۱ می‌باشد. ایده اولیه تأسیس گروه ویژه اقدام مالی، ابتدا در اجلاس سال ۱۹۸۸ گروه هفت که در شهر تورنتو کانادا برگزار شد، مطرح گردید. در بیانیه پایانی اجلاس مزبور، بر ضرورت مبارزه با پول‌شویی تأکید شد. متعاقب آن در اجلاس آرشور در سال ۱۹۸۹، گروه هفت از همه کشورها درخواست کرد تا با تلاش‌های مشترک این گروه در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مبارزه با پول‌شویی همراه شوند. اعضای گروه هفت در همان جلسه درباره تأسیس یک گروه ویژه برای مبارزه با پول‌شویی به توافق رسیدند. [۱۱، ص ۱۰] در زمان آغاز فعالیت گروه ویژه اقدام مالی در سال ۱۹۸۹، هدف اولیه و مأموریت اصلی آن، وضع استانداردهای بین‌المللی در زمینه مبارزه با پول‌شویی تعریف و تبیین شده بود. لیکن در بستر تحولات بین‌المللی و حسب ضرورت‌های ناشی از بروز چالش‌های جدید در سطح بین‌الملل، اهداف و مأموریت‌های گروه ویژه اقدام مالی مورد بازنگری قرار گرفت و به تدریج موضوعات و مأموریت‌های جدیدی به آن افزوده شد، به‌نحوی که اکتبر ۲۰۰۱ و فوریه ۲۰۱۲ را می‌توان نقاط عطفی برای این نوع تحولات برشمرد. در واکنش به حملات تروریستی یازده سپتامبر در ایالات متحده آمریکا، در اکتبر سال ۲۰۰۱، اف ای تی اف جلسه عمومی فوق‌العاده‌ای در واشنگتن تشکیل داد و در آن تصمیم گرفته شد تا اختیارات گروه، از مبارزه با پول‌شویی فراتر رفته و تأمین مالی تروریسم را نیز شامل شود. در همان جلسات بود که گروه ویژه اقدام مالی هشت توصیه جدید در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم تصویب کرد که در اجلاس ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۴ یک توصیه دیگر نیز به توصیه‌های هشت‌گانه در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم اضافه شد و

1. Financial Action Task Force

در مجموع به توصیه‌های ویژه معروف شدند. همچنین در تاریخ ۱۶ فوریه سال ۲۰۱۲، FATF نسخه جدید و اصلاح شده‌ای از مجموعه توصیه‌های خود را منتشر کرده که نسبت به نسخه قبلی توصیه‌ها، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در آن مشاهده می‌شود. [همان، ص ۱۲]

مهمترین سوالات این پژوهش عبارتند از: پذیرش الزامات کنوانسیون‌های بین‌المللی به طور عام و جرم‌انگاری مبتنی بر آنها به طور خاص از نظر فقهی چه حکمی دارند؟ توصیه‌های گروه اقدام ویژه مالی مشترک شامل چه جنبه‌های مجرمانه ای است؟ جرم‌انگاری جرایم مدنظر گروه مذکور چه چالش‌های فقهی دارد؟ با توجه به وجود نهادی با عنوان حق شرط و یا حق تحفظ در هنگام الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی آیا امکان استفاده از آن در این مورد است؟ در صورت ضرورت پیوستن به معاهدات مذکور، چه راهکارهای فقهی برای جرم‌انگاری در دسترس است؟

پژوهش‌های موجود، توصیه‌های اف‌ای‌تی‌اف را بیشتر از نظر مالی و بانکی و کمتر از نظر حقوقی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند، ولی از نظر فقهی، پژوهشی با توجه به سوالات و رویکرد این مقاله انجام نشده است و از این نظر پژوهشی نو محسوب می‌شود. همچنین این پژوهش ضمن بررسی ابعاد جزایی اف‌ای‌تی‌اف و بیان چالش‌های فقهی و حقوقی آن در نظم حقوقی کنونی، در صدد است با توجه به ظرفیت‌های موجود در فقه، راهکارهایی را به نظام سیاسی و تقنینی ارائه دهد، که از این نظر نیز پژوهشی تازه محسوب می‌شود. این پژوهش از نظر روش، پژوهشی توصیفی، تحلیلی و استنباطی محسوب می‌شود و داده‌های آن به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود.

۲- توصیه‌های الزام‌آور جزایی

از چالش‌های مهم توصیه‌های اف‌ای‌تی‌اف پایان باز آن است. یعنی از اولین سال‌های تاسیس گروه تاکنون، توصیه‌ها و الزامات آن در حال افزایش است و به نظر می‌رسد زمان مشخصی برای پایان توصیه‌ها و مشخص شدن کلیت ماهیت و الزامات آن قابل پیش‌بینی نباشد. بدیهی است این امر موجب ابهام و نامشخص شدن تعهدات و تکالیف کشورهای پذیرنده و نوعی غرر خواهد شد.

از طرف دیگر، نگاهی به توصیه‌های چهل‌گانه اف‌ای‌تی‌اف نشان می‌دهد این توصیه‌ها دامنه‌ی وسیعی از سیاستها، قوانین و الزامات و مقررات بانکی و مالی و حقوقی

و قضایی را در بر می‌گیرد و از واژه‌های آمرانه و تحکم‌آمیز برای بیان خواسته‌های خود استفاده می‌کند. به عبارت دیگر هرچند در ظاهر این موارد، تحت عنوان خواسته و توصیه مطرح می‌شود، ولی با یک واقعیت متعارض «توصیه و خواسته الزام‌آور» مواجه هستیم که عدم تمکین به آن خواسته‌ها و عمل به آن توصیه‌ها، مجازات‌هایی را در پی خواهد داشت. از طرفی دیگر بخش عمده‌ای از این توصیه‌ها واجد جنبه جزایی است که اقداماتی همچون جرم‌انگاری پولشویی و تأمین مالی تروریسم، فرآیندهای مربوط به کشف جرم، انواع معاضدت و همکاری‌های قضایی، تعیین انواع مجازات‌ها و اجرای آنها را به شرح زیر شامل می‌شود:

- ۱- تدوین سیاست‌های ملی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم (توصیه ۲)
- ۲- جرم‌انگاری پولشویی (مطابق با کنوانسیون‌های وین و پالرمو) و تأمین مالی سازمان‌های تروریستی و افراد تروریست حتی در صورت عدم ارتباط با اقدامات تروریستی (توصیه ۳ و ۵)
- ۳- انجام اقدامات مورد نظر کنوانسیون‌های وین و پالرمو از قبیل: مسدودکردن، توقیف و مصادره کردن اموال مرتبط با پولشویی و تروریسم بدون نیاز به محکومیت کیفری (مصادره بدون محکومیت) و الزام متهم به اثبات منشا قانونی اموال ادعایی (توصیه ۴)
- ۴- اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارتباط با پیشگیری و مبارزه با تأمین مالی تروریسم و پیشگیری، مبارزه و توقف اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و تأمین مالی آن‌ها (توصیه ۶ و ۷)
- ۵- بازنگری قوانین و مقررات نهادهایی که ممکن است برای تأمین مالی تروریسم مورد سوء استفاده قرار گیرند (توصیه ۸)
- ۶- حصول اطمینان از اینکه قوانین داخلی آن‌ها در زمینه رازداری در موسسات مالی، مانع از اجرای توصیه‌های گروه ویژه نمی‌شوند. (توصیه ۹)
- ۷- الزام موسسات مالی به ارائه اطلاعات مورد نیاز و اجرای برنامه‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم (توصیه ۱۶ و ۱۷ و ۱۸)
- ۸- الزام کشورها به فراهم کردن دسترسی به تمامی اسناد و اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحقیقات، رسیدگی‌های قضایی و اقدامات مرتبط و استفاده گسترده وسیعی از فنون مناسب برای انجام تحقیقات درباره پولشویی، جرایم منشاء مرتبط و تأمین مالی تروریسم همانند: عملیات مخفیانه، شنود مکالمات و واریسی مکاتبات، دسترسی به سیستم‌های رایانه‌ای و ارائه محصولات به صورت کنترل شده. (توصیه ۳۱)

- ۹- تهیه و ارایه آمارهای جامعی در خصوص گزارش‌های معاملات مشکوک دریافتی و منتشره، تحقیقات انجام شده درباره پولشویی و تأمین مالی تروریسم، پیگردهای قضایی به عمل آمده و محکومیت‌های اعمال شده، اموال مسدود شده، توقیف شده و مصادره شده و نیز معاضدت‌های قضایی دوجانبه یا سایر درخواست‌های بین‌المللی برای همکاری. (توصیه ۳۳)
- ۱۰- اطمینان کشورها از پیش بینی گسترده‌ای از مجازات‌های موثر، متناسب و بازدارنده - اعم از کیفری، مدنی و یا اداری - برای برخورد با اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول توصیه شش و نیز توصیه‌های هشت الی ۲۳ که در اجرای الزامات ضدپولشویی و تأمین مالی تروریسم قصور می‌ورزند. (توصیه ۳۵)
- ۱۱- الزام کشورها به انجام اقدامات فوری برای پیوستن به کنوانسیون وین (۱۹۸۸)، کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰)، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد (۲۰۰۳) و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و اجرای کامل آنها. همچنین حسب مورد، کشورها ترغیب می‌شوند، سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط مانند کنوانسیون شورای اروپا درباره جرایم سایبری (۲۰۰۱)، کنوانسیون کشورهای آمریکایی علیه تروریسم (۲۰۰۲) و کنوانسیون شورای اروپا علیه پولشویی، تجسس، توقیف و مصادره عواید حاصل از جرم و تأمین مالی تروریسم (۲۰۰۵) را تصویب و اجرا کنند. (توصیه ۳۶)
- ۱۲- الزام کشورها به ایجاد مبانی و سازکارهای حقوقی کافی برای معاضدت همه جانبه قضایی و اجرای گسترده آنها. (توصیه ۳۷)
- ۱۳- الزام کشورها به ارایه اطمینان از توانایی خود در خصوص شناسایی، مسدود کردن، توقیف و مصادره اموال تطهیر شده از طریق پولشویی، عواید حاصل از پولشویی، جرایم منشاء و تأمین مالی تروریسم، امکانات مورد استفاده یا به قصد استفاده برای ارتکاب اینگونه جرایم و یا اموال دارای ماهیت مشابه. (توصیه ۳۸)
- ۱۴- اجابت درخواست‌های استرداد (اعم از اتباع خود و افراد خارجی) مرتبط با پولشویی و تأمین مالی تروریسم بدون هیچ تاخیر غیرموجه. (توصیه ۳۹)
- این خواسته‌ها یک نظام جامع جزایی را شامل می‌شود که کشورهای عضو را در معرض دسترسی همه جانبه سازمان‌های خارجی قرار می‌دهد. به همین خاطر از منظر حاکمیت و امنیت ملی قابل مطالعه و ارزیابی است. همچنین در این چارچوب، شناخت موضع فقه اسلام که متضمن تأمین امنیت منافع کشور و امت اسلامی است، از اهمیت زیادی برخوردار است.

- در یک جمع‌بندی می‌توان اهم خواسته‌ها و توصیه‌های الزام‌آور افای‌تی‌اف را که جنبه کیفری دارد، در چهار سطح زیر دسته‌بندی کرد:
- الف- پذیرش و اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد و متنوع در زمینه پولشویی، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و ..
- ب- انجام انواع معاضدت‌های قضایی همچون تجسس و تحقیقات، عملیات مخفیانه، شنود مکالمات، واری مکتوبات، دسترسی به سیستم‌های رایانه ای و ارایه محصولات، استرداد مجرمین اعم از اتباع خود و افراد خارجی
- ج- ارایه اطلاعات مورد نیاز سازمان‌های بین‌المللی و فراهم کردن دسترسی به منابع مختلف
- د- اجرای احکام محاکم کشورهای خارجی همچون مسدود کردن، توقیف و مصادره اموال

۳- پذیرش و الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی و جرم‌انگاری بر اساس آن از منظر فقهی

یکی از ویژگی‌های حکمرانی در جهان امروز، پیوستگی و ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی بین کشورهای جهان است و معاهدات و کنوانسیون‌های دو یا چند جانبه در موضوعات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مدنی و کیفری نقش و جایگاه مهمی در تنظیم روابط کشورها دارد. در این میان پذیرش و اجرای معاهدات، کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌هایی که واجد جنبه جزایی و قضایی اعم از ماهوی و شکلی باشد، از ملاحظات خاصی برخوردار است. مقررات جزایی از خاصیت سرزمینی بودن برخوردار است و اعمال آنها نشانه حاکمیت و اقتدار دولت‌ها و نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. به همین خاطر پذیرش احکام محاکم کیفری خارجی اعم از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از سوی سایر کشورها با ملاحظات و شرایط خاصی مواجه است. با این حال بخاطر پیچیدگی و سازمان‌یافتگی بزهکاری و گسترش و جهانی شدن آن و لزوم همکاری برای مبارزه با جرایم و مجرمان بین‌المللی، کشورهای مختلف به عنوان استثنایی بر اصل صلاحیت محلی، تلاش می‌کنند ضمن رعایت ملاحظات و حق حاکمیت و در نظر گرفتن منافع ملی و ضرورت‌ها، با شرایط خاصی بخشی از مقررات بین‌المللی جزایی را بپذیرند. توصیه‌های افای‌تی‌اف به‌طور کلی و الزام به پذیرش، الحاق و اجرای کنوانسیون‌های جزایی به‌طور خاص یکی از این موارد است. توصیه

شماره ۳۶ اف ای تی اف در این خصوص مقرر می‌دارد «کشورها باید برای پیوستن به کنوانسیون وین (۱۹۸۸)، کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰)، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد (۲۰۰۳) و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و اجرای کامل آنها، اقدامات فوری انجام دهند. همچنین حسب مورد، کشورها ترغیب می‌شوند، سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط مانند کنوانسیون شورای اروپا درباره جرایم سایبری (۲۰۰۱)، کنوانسیون کشورهای امریکایی علیه تروریسم (۲۰۰۲) و کنوانسیون شورای اروپا علیه پولشویی، تجسس، توقیف و مصادره عواید حاصل از جرم و تأمین مالی تروریسم (۲۰۰۵) را تصویب و اجرا کنند.»

از منظر فقه جزایی می‌توان چند صورت را در خصوص مقررات جزایی خارجی در نظر گرفت:

الف- مقررات جزایی خارجی چون از سوی یک مرجع غیر اسلامی صادر می‌شود، مغایر با احکام و موازین شرعی است؛ لذا به هیچ عنوان امکان پذیرش آن وجود ندارد. [۸، ص ۵۵]

ب- هر چند این مقررات توسط مرجع غیر اسلامی تصویب شده است، ولی همه مفاد آن لزوماً مغایر با موازین و احکام شرعی نیست، لذا لازم است در چارچوب مبانی، احکام و قواعد فقهی موارد مغایرت و عدم مغایرت مشخص و حسب مورد وظیفه دولت اسلامی در پذیرش و یا عدم پذیرش کلی یا جزئی تعیین شود.

در این زمینه می‌توان به قواعد فقهی مهمی همچون «نفی سبیل، تحریم تحاکم نزد طاغوت، حرمت تعاون بر اثم و عدوان» بر عدم پذیرش و «اصل ضرورت و مصلحت و حفظ منافع نظام» بر پذیرش به عنوان مبانی فقهی اشاره کرد.

مبنا و مستند قاعده مهم و محوری نفی سبیل، آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (آیه ۱۴۱/ نساء) است که هرگونه الزام، تسلط و حاکمیت از جمله الزام، تسلط و حاکمیت از مسیر هنجار سازی حقوقی و تدوین کنوانسیون و معاهده را منع می‌کند. از دیدگاه علامه طباطبایی، سبیل اعم از تسلط در دنیا است و کفار در دنیا و آخرت بر مومنان تسلط ندارند. [۱۲، ج ۵، ص ۱۸۹]

تحریم تحاکم نزد طاغوت و نهی از رجوع به ستمکاران، از قواعد و اصول مهم در حفظ و صیانت از جامعه اسلامی و ایمانی است. علاوه بر آیه «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ» (آیه ۶۰/ نساء) روایات متعددی همچون: مقبوله عمر

بن حنظله، صحیحہ حلبی، روایت ابی خدیجه [۱۵، ۱۸، ص ۱۰۰] بر نهی از رجوع به طاغوت و ظالمان دلالت می‌کند. مقبوله عمر بن حنظله تحاکم به طاغوت را مطلقاً چه در حق و چه در باطل نهی می‌کند: (...قال: من تحاکم الیه فی حق او باطل، فانما تحاکم الی الطاغوت...) [۱۷، جلد ۱، ص ۶]

با توجه به مطالب پیش‌گفته و برای احتراز از پذیرش تعهدات و اقدامات خلاف مبانی و احکام فقهی و قوانین داخلی، لازم است به صورت مستقل و در چارچوب ظرفیت‌های نظام حقوقی کشور، نسبت به بررسی و جرم‌انگاری کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی از جمله موارد خواسته شده از سوی افای‌تی‌اف اقدام کرد. بر این اساس اقدامات مربوط به پولشویی و تأمین مالی تروریسم، حسب مورد تحت عنوان جرایم حدی و تعزیری می‌توانند قرار گیرند.

۴- نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با معاهدات بین‌المللی، معاضدت

قضایی و استرداد مجرمین

هم‌اکنون معاهدات بین‌المللی متعددی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی پس از پذیرش و الحاق و طی مراحل قانونی در کشور جاری است. در این میان معاهدات و کنوانسیون‌های حقوقی بویژه جزایی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار و رویه‌ها نیز در این زمینه متفاوت بوده است. در این میان دیدگاه و عملکرد نظام تقنینی اعم از مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبنای خوبی برای بررسی نحوه مواجهه کشور با اینگونه معاهدات و کنوانسیون‌ها است. به عنوان نمونه می‌توان به معاهدات معاضدت قضایی و استرداد مجرمین با کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اشاره کرد.

الف- تایید و پذیرش: تعداد زیادی از موافقتنامه‌ها و معاهدات مربوط به استرداد مجرمین بین ایران و سایر کشورها پذیرفته شده است. در این زمینه می‌توان به موافقتنامه‌های معاضد قضایی بین دولت جمهوری اسلامی با دولت ترکمنستان، (مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان)، موافقتنامه استرداد مجرمین با امارات متحده عربی (مصوب مجلس شورای اسلامی و تایید مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲ شورای نگهبان)، جمهوری آذربایجان (مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی) اشاره کرد. (www.nazarat.shora-rc.ir)

ب- عدم تایید شورای نگهبان و تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام: همانند

«موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و کشورهای اسلامی همچون دولت‌های ازبکستان» (مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، «دولت جمهوری دیمکراتیک مردمی الجزایر» (مصوب ۱۳۸۴/۴/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، دولت جمهوری قرقیزستان (مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، دولت قطر (مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، دولت کویت (مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲۹) و دولت سوریه (مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

در خصوص موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمان با کشورهای غیراسلامی که پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی، مورد تایید شورای نگهبان قرار نگرفت و نهایتاً در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: همچون: جمهوری بلاروس (مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، دولت فدراتیو روسیه (مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، اوکراین (مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، ارمنستان (مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام) و جمهوری خلق چین (مصوب ۱۳۹۲/۸/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

علاوه بر موافقت‌نامه‌های دوجانبه می‌توان به کنوانسیون‌های سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره کرد که همین وضعیت را از نظر سیر پذیرش و تصویب داشته‌اند. بدین‌صورت که پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی و عدم تایید توسط شورای نگهبان، نهایتاً در مجمع مصلحت نظام به تصویب رسید. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مرید۲۰۰۳) (مصوب مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی و تایید مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، کنوانسیون ۲۰۰۰ پالرمو و کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی (مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

ج- عدم پذیرش و رد: برخی از این نوع معاهدات نیز توسط شورای نگهبان خلاف شرع اعلام و در نتیجه پذیرفته نشد. همانند: لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین با جمهوری تاجیکستان (مصوب ۱۳۹۱/۱/۱۵ مجلس شورای اسلامی و عدم تایید توسط شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۳۰).

د- عدم اعلام نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر و لازم‌الاجرا شدن آن: بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی، و با هدف انجام به‌موقع فرآیند قانونگذاری و اجرای قانون، شورای نگهبان موظف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول، مصوبات مجلس

شورای اسلامی را از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی، مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر بداند برای تجدید نظر و اعمال نظر شورا به مجلس برگرداند. در غیر این صورت بدون نیاز به نظر شورای نگهبان، مصوبه مجلس لازم‌الاجرا خواهد شد. گفتنی است بر اساس اصل ۹۵ قانون اساسی، شورای نگهبان در صورت نیاز می‌تواند یک مهلت ده روزه دیگر را درخواست کند. بر خصوص این مقرر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری»، «قانون معاهده استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان» و «قانون الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی اینمارسات» مصوب ۱۳۶۰/۹/۱۴. عمده دلایل شورای نگهبان در خلاف شرع دانستن و عدم پذیرش معاهدات به شرح زیر است:

- ۱- لازم‌الاجرا دانستن مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت متعاهد
- ۲- خلاف شرع بودن تایید صحت قوانین و آیین دادرسی قوه قضاییه و قبول صلاحیت مقامات قضایی کشورهای خارجی در جرم‌انگاری، فرآیند رسیدگی، ادله اثبات جرم، صدور و اجرای حکم دولت متعاهد و اثر دادن به احکام آن دادگاه‌ها (۱۶، ص ۴)
- ۳- نقض قاعده نفی سبیل. (همان)
- ۴- فقدان شرایط شرعی لازم قضاوت در میان قضات کشورهای متعاهد. (همان)
- ۵- خلاف شرع دانستن پذیرش تقاضای استرداد از کشورهای دیگر و اعطای معاضدت قضایی به آنان و استرداد اموال و دارایی‌ها در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون: کنوانسیون‌های مریدا و پالمو. مطالب مطرح شده در بندهای سه و چهار از اهم مبانی، احکام و ادله فقهی است که در خصوص موارد عمومی و نیز موارد اختصاصی همچون استرداد مجرمین، پولشویی، حمایت مالی از تروریسم و... می‌توان مطرح کرد.

۵- استرداد مجرمین

یکی از گونه‌های معاضدت قضایی، استرداد متهمین و مجرمین است که معمولاً بین کشورهای مختلف به صورت دو یا چندجانبه و همچنین در دو دهه اخیر در قالب موافقتنامه‌ها، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون اف‌ای‌تی‌اف منعقد می‌شود. در فرآیند اجرای این معاضدت کشورها متعهد می‌شوند حسب درخواست و تحت شرایطی، فرد مورد نظر را به کشور درخواست کننده برای تحقیق، محاکمه و مجازات

تحويل دهند. همچنانکه گفته شد یکی از توصیه‌های مهم و الزام آور افای‌تی‌اف پذیرش درخواست‌های استرداد افراد مرتبط با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و سایر موارد اعم از اتباع ایران و افراد دارای تابعیت کشورهای خارجی بدون هیچ تاخیر غیرموجه است. (توصیه ۳۹) این استرداد شامل افراد مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. با توجه به مبانی، احکام و ادله فقهی پیشگفته و نیز بر اساس کنوانسیون اروپایی استرداد و پذیرش حق امتناع دولت‌ها از استرداد اتباع خود، بازگرداندن اتباع ایرانی به کشورهای درخواست کننده مشروع نیست. با این حال بر اساس مفاد همین کنوانسیون مکانیسمی جایگزین استرداد نیز پیش بینی شده است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر اساس آن به معاضدت قضایی در صورت ضرورت و در چارچوب قوانین ملی عمل کند. بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون اروپایی استرداد مقرر می‌دارد: «چنانچه دولت مورد تقاضا با استرداد تبعه خود موافقت نکند، باید بنا به درخواست دولت تقاضاکننده موضوع را به منظور رسیدگی قضایی به مقامات صلاحیت‌دار ارجاع نماید.» در خصوص معاضدت قضایی خاص در زمینه تأمین مالی تروریسم می‌توان به ماده ۱۶ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید، اشاره کرد. این ماده مقرر می‌دارد: «به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود در اجرای این قانون مطابق تعهدات بین‌المللی خود در مبادله اطلاعات یا معاضدت قضایی با سایر کشورها، با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید.» این اصل مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

۶- پول‌شویی

پول‌شویی، تطهیر و قانونی جلوه‌دادن عواید حاصل از رفتارهای مجرمانه می‌باشد. ماده دو قانون مبارزه با جرم پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «جرم پولشویی عبارت است از: الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیتهای غیر قانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد. ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد. ج - اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ،

منیع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.» برای مبانی فقهی جرم‌انگاری پول‌شویی می‌توان به آیات، روایات و قواعد فقهی زیر اشاره کرد:

۱-۶- آیات دال بر حرمت اکل مال به باطل

آیات ۱۸۸ سوره بقره، «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» ۲۹ سوره نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» و ۳۴ سوره توبه «يا ايها الذين آمنوا ان كثيرا من الاحبار والرهبان لياكلون اموال الناس بالباطل» دلالت بر حرمت اكل مال به باطل دارد. گفتنی است قاعده «اكل مال به باطل» نیز از این آیات اصطیاد شده است. علاوه بر آن در آیات دیگری اكل مال به باطل بر رباخواری (نساء/۱۶۱)، خوردن مال یتیم (نساء/۲)، غضب (توبه/۳۴) اطلاق شده است. این واقعیت نشان دهنده آن است که باطل دارای مفهومی وسیع و مصادیق فراوانی است و این موارد موجب انحصار باطل در موارد خاص نمی‌شود. از نظر مبانی، ادله و احکام اسلامی تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت باشد و هرچه غیر از آن همانند ربا، رشوه، قمار، سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، غضب و... حرام و باطل و از مصادیق اكل مال به باطل است. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «الایه عامه فی الاكل بالباطل و ذکر القمار و ما أشبهه من قبیل عد المصادیق.» [۱۳، ج ۱، ص ۶۹ و ج ۴، ص ۳۲۰] در این چارچوب جرم پولشویی هر چند به نظر می‌رسد عنوان جدید و مستحدثه باشد، ولی با توجه به ماهیت آن که نوعی دارایی ناعادلانه و از طریق ارتکاب جرم و فعالیت‌های نامشروع و غیر قانونی بدست می‌آید، مصداق روشنی از اكل مال به باطل به شمار می‌رود.

۲-۶- آیه اكل سحت

در قرآن کریم واژه سحت و مشتقاتش چهار بار به کار رفته است. در آیه ۴۲ سوره مائده در معنای رشوه، در آیه ۶۲ و ۶۳ سوره مائده، سحت در معنای مطلق هر گونه مال حرام و تصرف در اموال مردم بدون وجه شرعی و در آیه ۶۱ سوره طه در معنای هلاکت و استیصال به کار رفته است. «سحت» هم همچون «اكل مال به باطل» مصادیق فراوانی دارد. در روایات نیز مصادیق زیادی همچون رشوه، قمار، ربا، برای واژه سحت به کار رفته است. [۱۷، ج ۷، ص ۱۳۷؛ ۲۰، ج ۱۷، ص ۷۰] به عبارتی دیگر سحت عبارت است از

حرام‌خواری. (کل کسب لایحل فهو السحت) و همچون باطل عمومیت دارد و هر نوع حرام خواری و درآمد نامشروع را شامل می‌شود. بر این اساس سحت و باطل هرچند از نظر لغوی متفاوت هستند، ولی در بسیاری از جهات از نظر مبانی، احکام و مصادیق اشتراک دارند و با توجه به ماهیت و روش‌های پولشویی، همچون حرمت اکل مال به باطل، حرمت اکل سحت نیز شامل پولشویی می‌شود. در این چارچوب به ادله‌ی دیگری همچون قاعده لاضرر نیز برای حرمت پولشویی استناد شده است. [۲، ص ۲۰۳]

۷- تأمین مالی تروریسم

هر چند گونه‌های مختلف ترور در زمان‌های گذشته و در جوامع مختلف وجود داشته است، ولی امروز پدیده تروریسم از اشکال ساده به شکل‌های پیچیده و سازمان‌یافته و از افراد و سازمان‌های تروریستی به دولت‌های تروریستی و حامی آنها - همچون رژیم صهیونیستی اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا که رسماً به ایجاد سازمان تروریستی طالبان، القاعده در سال‌های نه‌چندان دور و داعش در سال‌های اخیر اعتراف کرده‌اند - تبدیل شده است. تقریباً می‌توان گفت در همه کشورها نسبت به تروریسم جرم‌انگاری شده است. در نظام جزایی اسلام و نظام جمهوری اسلامی نیز از گذشته‌های دور این جرم‌انگاری صورت گرفته است. در این میان هرگونه کمک و مساعدت و معاونت در ارتکاب جرم تروریسم همچون تأمین مالی نیز از باب حرمت اعانت بر اثم و عدوان و معاونت در جرم ممنوع و برای آن مجازات تعیین شده است. منظور از تأمین مالی تروریسم عبارت از هرگونه فعالیت اقتصادی - هر چند مشروع - است که برای ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی انجام می‌شود.

برای جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم می‌توان به دو قاعده «حرمت اعانت بر اثم» و قاعده «لزوم حفظ نظام و حرمت اختلال آن» به شرح زیر استناد کرد.

۷-۱- قاعده حرمت اعانت بر اثم

مدرک اصلی این قاعده، آیه دو سوره مبارکه مائده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». «اعانه» در لغت به معنای مساعدت و کمک و «اثم» به معنای مطلق مخالفت و معصیت خداوند (در تکالیف وجوبی یا تحریمی) است و اعانه بر اثم عبارت از هرگونه کمک و مساعدت و تسهیل در ارتکاب معاصی و مخالفت با اوامر الهی است. طبرسی در مجمع البیان «اثم» را به «ترک ما امر

الله به؛ ترک آنچه خداوند بدان امر فرموده» و «عدوان» را به «ارتکاب ما نهی عنه؛ انجام آنچه خداوند از آن نهی کرده» تفسیر کرده است. [۱۴، ج ۳، ص ۲۶۷] علامه طباطبایی نیز در المیزان پس از واضح دانستن مفهوم آیه، می‌نویسد: معنای تعاون بر برّ و تقوا به اجتماع ایمان و عمل صالحی که بر اساس تقوا شکل گرفته باشد بر می‌گردد و مقابل آن، تعاون بر اثم، عمل بدی است که عقب افتادگی در امور یک زندگی سعادت‌مند را در پی دارد و (همچنین) تعاون بر عدوان، تعدی به حقوق حقه مردم با سلب امنیت از جان، آبرو یا اموال آنان را به دنبال دارد. [۱۳، المیزان، ج ۵، ص ۱۶۳] همچنین روایات متعددی بر حرمت اعانت بر اثم و عدوان از معصومین علیه‌السلام وارد شده است؛ همچون: (۱) امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «من أعان علی مؤمن بشطر کلمة جاء یوم القيامة مکتوب بین عینیه آیس من رحمة الله». «هر کس بر کشتن (یا علیه) مؤمنی با نوشتن کلمه‌ای کمک کند روز قیامت محشور می‌شود در حالی که بین دیدگاه او نوشته شده: مأیوس از رحمت خداوند». [۱۷، ج ۱۹، ص ۹؛ ۲؛ پیامبر(ص) فرمودند: «إذا کان یوم القيامة نادى منادٍ أين أعوان الظلمة و من لاق لهم دواتاً أو ربط کیساً أو مدّ لهم مدّة قلم، فاحشروهم معهم». «در روز قیامت منادی فریاد می‌زند: کجايند همکاران ستمگران و کسانی که دوات آنان را ليقه گذاری کرده یا در کیسه‌ای را بسته یا برای آنان قلمی را به دوات زده‌اند؟ پس اینان را با ستمگران محشور کنید». [همان، ج ۱۲، ص ۱۳۰]؛ (۳) حدیثی نیز از پیامبر(ص) نقل می‌شود که حضرت فرمود: «مَنْ مشى إلى ظالم ليعينه و هو يعلم أنه ظالم فقد خرج من الاسلام». «کسی که نزد ظالمی رود تا او را کمک کند در حالی که می‌داند او ظالم است از اسلام خارج شده است». [همان، ص ۱۳۱] (۴) روایاتی که کمک به ساختن شراب مانند اجاره ساختمان، کاشت درخت انگور با این نیت و فروش آن را کمک به اثم و حرام دانسته نیز زیاد است که همه موارد به دلیل حرمت کمک به اثم و عدوان حرام شده‌اند. [همان، ص ۱۲۵-۱۳۳] در این زمینه به سیره معصومین علیه‌السلام در عدم همراهی با ظالمان (همچون منع صفوان جمال از اجاره شتر به هارون الرشید برای سفر حج)، سیره عقلا [۱۲، ج ۱۰، ص ۲۸۶] و اجماع فقها نیز استدلال می‌شود. پس اعانه بر اثم و عدوان کمک به انجام کارهایی است که موجب ناخشنودی خداوند، عقب ماندگی در زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی و تعدی به حقوق مردم می‌شود. کمک به گناه هم شامل کمک به گناه فردی و هم جمعی می‌شود. با توجه به ادله پیش‌گفته، می‌توان گفت بدون تردید اعمال تروریستی مصداق

قطعی اثم و عدوان است و تأمین مالی آن که زمینه تسهیل وقوع جرم را فراهم می‌کند یکی از مصادیق بارز معاونت در جرم می‌باشد که در حقوق جزای اسلام خود مستقلاً جرم بوده و کیفر تعزیر دارد و تعیین میزان آن نیز بر عهده حاکم شرع است.

۲-۷- قاعده حفظ نظام و نفی اختلال آن

یکی از دلایلی که می‌توان برای جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم استفاده کرد، قاعده حفظ نظام و ممنوعیت اختلال در آن است. مقصود از قاعده نفی اختلال نظام، نفی و کنارگذاشتن هر امری است که موجب اختلال در نظام معیشت مردم شود. به عبارت دیگر، شارع مقدس حکم موجب اختلال در نظام زندگی مردم را تشریح نکرده است. از این رو، اگر موضوعی به حکم اولی، سبب اختلال در نظام کلی زندگانی انسان شود، حکم اولی آن برداشته می‌شود. [۱۰، ص ۸۳]

بدون تردید اختلال در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و معیشتی یک جامعه مصادق بارز فساد است که در کتاب و سنت شواهد متعددی برای نهی از آن (بقره/۶۰ و ۲۰۵؛ اعراف/۷۴؛ مائده/۶۴) و تعیین مجازات برای اخلاگران (مائده/۳۳) وجود دارد. همچنین حکم قطعی و بدیهی عقل و بنای عقلا نیز بر ضرورت حفظ نظم و انتظام و جلوگیری و مقابله با هرگونه بی‌نظمی و فعالیت‌های مخل نظم و امنیت عمومی حاکم است. [۵، ۱۷۰]

یکی از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی فعالیت‌های تروریستی است که با توجه به آثار جبران‌ناپذیری که بر حیات و نظام اجتماعی و اقتصادی جوامع دارد، در همه نظام‌های حقوقی و سیاسی مجازات‌های سنگینی برای مباشرین و معاونین آن در نظر گرفته‌اند. امروزه شبکه‌های تروریستی از پشتیبانی فنی، اطلاعاتی و مالی همه جانبه‌ای - عمدتاً از سوی دولت‌های بزرگ و همپیمانان منطقه‌ای آنان - برخوردار هستند. در این میان حمایت‌های مالی که به شکل پنهان و از روش‌های متنوعی برخوردار است، نقش عمده‌ای در گسترش تروریسم در جهان دارد. هنگامی که بر اساس مبانی و ادله فقهی اصل تروریسم، ممنوع و از حرمت برخوردار باشد، طبیعی است که هر نوع رفتاری اعم از فعل و ترک فعل که به نحوی از انحاء از جمله کمک‌های مالی به انجام ترور کمک و مساعدت کند، نیز محکوم به حرمت است و مباشرین و معاونین آن به مجازات محکوم خواهند شد. بر همین اساس در ماده دو قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (مصوب

۱۳۹۷/۴/۳۱) برای هر گونه کمک مالی برای تروریسم، به صورت زیر مجازات در نظر گرفته شد: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود.»

۳-۷- چالش تعریف تروریسم و تعیین مصادیق آن

یکی از موضوعات چالش برانگیز در خصوص افای‌تی‌اف و کنوانسیون‌های مورد تاکید آن، تعریف تروریسم و مکانیسم تعیین مصادیق آن است. به عبارت دیگر آیا تعریف تروریسم، شامل نهضت‌ها و سازمان‌های آزادیبخش مردمی علیه استعمار و اشغالگری که برای دستیابی به حق سرنوشت خود تلاش می‌کنند، می‌شود یا خیر؟ استعمار و اشغالگری که یا توسط همین کشورهای طراح کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم انجام گرفته یا می‌گیرد (همچون: عراق، افغانستان)؛ و یا اشغالگرانی که مورد حمایت همه جانبه قدرت‌های بزرگ قرار دارند. (به عنوان نمونه: رژیم اشغالگر قدس و عربستان سعودی در اشغال فلسطین و یمن) در این زمینه، دو دیدگاه در میان دولت‌ها وجود دارد: دیدگاه اول: فعالیت‌های خشونت بار در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت، ممنوع است؛ مگر این‌که بر اساس حقوق بشردوستانه مجاز باشد. (رویکرد کشورهای غربی)؛ دوم: فعالیت‌های خشونت بار در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت، مجاز هستند. (رویکرد برخی از کشورهای اسلامی). [۴، ص ۸۴] بخاطر جدی بودن این چالش و به منظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده، در بند یک اعلامیه تفسیری دولت جمهوری اسلامی ایران آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد مبارزات مشروع مردمی علیه سلطه استعماری و اشغال خارجی در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت که به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عمومی به رسمیت شناخته می‌شود، در چارچوب مصادیق اعمال تروریستی مندرج در جز (ب) بند (۱) ماده (۲) کنوانسیون نخواهد بود.»

چنانکه قبلاً گفته شد، در چارچوب خواسته‌های گروه اقدام مالی مشترک یا اف ای تی اف، علاوه بر مجموعه ای از اقدامات، از جمله چهار لایحه در دستور کار دولت ایران قرار دارد: دو لایحه برای پذیرش و الحاق به کنوانسیون پالمو و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و دو لایحه برای اصلاح قوانین داخلی مربوط به قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و قانون مبارزه با پولشویی است. این چهار لایحه، سیستم مالی

کشور را به استانداردهای گروه افای تی اف منطبق می‌کند، بگونه ای که ضمن ایجاد شفافیت حداکثری مبادلات مالی، استثنایی را برای نهضت‌های آزادیبخش نمی‌پذیرد. از سوی دیگر سطح توصیه‌ها به گونه‌ای است که ایران باید به همه آنها به صورت کامل عمل کند؛ که در نتیجه با تبدیل شدن آن به قانون داخلی، ضمن الزام کشور به ارایه هرگونه تبادلات مالی، حمایت از جریان مقاومت در منطقه غیرقانونی خواهد شد. مبارزات آزادی‌بخش در اسلام، حرکت‌های اصلاح‌طلب مردمی و سازمان‌یافته‌ای است که خواهان جایگزینی وضع موجود با وضعیتی مطلوب در مبارزه با استعمار، اشغالگری و تبعیض نژادی، بر اساس دستورهای شرع مقدس اسلام در تمام ابعاد اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از طرق مسالمت‌آمیز و غیر مسالمت‌آمیز هستند. در واقع مبارزات آزادی‌بخش در جهان اسلام نوعی دفاع مشروع و تلاش برای حق تعیین سرنوشت در برابر استیلای غرب در عصر حاضر است. مبنای مبارزات آزادی‌بخش در اسلام، «جهاد» است. [۷، ص ۱۳]

به عنوان نمونه با اینکه حزب‌الله از هنگام تأسیس به عنوان یک سازمان آزادی‌بخش با رژیم صهیونیستی اشغالگر قدس و لبنان مبارزه کرده و موفق به شکست رژیم صهیونیستی و اخراج ارتش اشغالگر از لبنان شد و در مقابله با گروه تروریستی داعش و القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی در لبنان و سوریه پیروزی‌های درخشانی داشته است؛ ولی با فشار گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی از سوی برخی از کشورها همچون انگلستان، آلمان، کلمبیا، هندوراس، و کشورهای عضو اتحادیه عرب هم پیمان آنها همچون عربستان به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام شده است. این در حالی است که هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی سازمان‌های آزادی‌بخش را به عنوان گروه‌های تروریستی محسوب نمی‌کند.

با این حال برای احتراز از هرگونه سوء استفاده، تبصره چهار ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به صورت زیر در ۱۳۹۷/۴/۳۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید: «تعیین مصادیق اعمال، افراد، گروهها و سازمانهای تروریستی موضوع این قانون با لحاظ اصل یکصد و پنجاه و چهارم (۱۵۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر حق افراد، ملت‌ها، گروهها و یا سازمان‌های آزادی‌بخش با هدف مقابله با سلطه و اشغال خارجی و استعمار و نژادپرستی بر عهده شورای عالی امنیت ملی است.» با این حال باید دید در عمل این راهکار تا چه اندازه کارایی خواهد داشت و می‌تواند از سوء استفاده سازمان‌ها و کشورهای حامی استعمار و اشغالگری جلوگیری کند.

۴-۷- جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم در نظام حقوقی ایران

در سال‌های اخیر و در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی و بویژه توصیه‌های اف‌ای‌تی‌اف، برای تأمین مالی تروریسم نیز در نظام قانونگذاری ایران جرم‌انگاری ویژه شده است. ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که در تاریخ ۹۷/۴/۳۱ به تصویب مجلس و در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۱۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است مقرر می‌دارد: «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمکهای مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود». در ماده چهار همین قانون برای تأمین مالی تروریسم حسب مورد مجازات محاربه و افساد فی الارض، حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱. در ارتباط با جرم‌انگاری جرایم موضوع اف‌ای‌تی‌اف همچون پولشویی و تأمین مالی تروریسم، ظاهراً تقابلی با موازین فقهی به نظر نمی‌رسد، زیرا با استفاده از آیات، روایات و ادله فقهی، حرمت پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم قابلیت اثبات و جرم‌انگاری در نظام کیفری اسلام را در قالب برخی از جرایم حدی و تعزیری دارد.
۲. مشکل اصلی در جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، برداشت‌های متفاوتی است که اف‌ای‌تی‌اف در خصوص تعاریف و مصادیق تروریسم و نحوه مبارزه با آنها دارد که برخلاف آموزه‌های اسلامی، ملی و قانون اساسی کشورمان است. بنابراین پذیرش دیدگاه گروه ویژه اقدام مالی از تروریسم و مصادیق آن، به معنای خط بطلان کشیدن بر محور مقاومت و دست‌کشیدن از عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران است.
۳. بر این اساس پیشنهاد می‌شود به‌جای صرف تصویب الحاق به این قبیل کنوانسیون‌ها و سپردن تعهدات سنگین بین‌المللی، می‌توان متناسب با مبانی فقهی و اصول و سیاست‌های خارجی و بر اساس منافع و مصالح ملی، قانونی تصویب شود تا اولاً تعیین مصادیق جرایم فراملی در اختیار نظام حقوقی و سیاسی کشور باشد و ثانیاً با نشان‌دادن عزم ملی در مبارزه با این قبیل جرایم، متهم به حمایت از پول‌شویی و تروریسم و عدم همراهی با جامعه جهانی نباشیم.

فهرست منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] اخترشناس، فرهاد (۱۳۸۹). *تحلیل پول شویی از دیدگاه فقه و حقوق*، تهران، هورمزد.
- [۳] اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، ج ۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴] امین‌زاده، الهام، (۱۳۸۰)، «تفاوت تروریسم و تلاش برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت»، راهبرد، شماره ۲، ص ۸۴.
- [۵] باقی زاده، محمدجواد؛ امیدی فر، عبدالله، «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی دوره ۱۲، شماره ۴۷ پاییز ۱۳۹۳ صفحه ۱۷۰-۲۰۰.
- [۶] بزرگمهری، مجید، (۱۳۸۷)، «تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم، مروری بر اسناد مصوب و دیدگاه صاحب‌نظران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، زمستان ۱۳۸۷، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۰-۲۵.
- [۷] ترابی، سیدحیدر (۱۳۸۴ش). «مبارزات آزادی‌بخش و تروریسم»، نشریه مطالعات جهان اسلام، تهران، شماره ۲۳، ص ۹-۲۵.
- [۸] جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۳)، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۰: برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان - تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
- [۹] حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل الوسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، نشر آل‌البیت.
- [۱۰] خورسندیان، محمد علی؛ شرعی، الهام (۱۳۹۵ش). «مبانی قاعده نفی اختلال نظام در فقه اسلامی و حقوق موضوعه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، تهران، دوره ۴۹، شماره یکم، ص ۸۳-۱۰۴.
- [۱۱] زارع قاجاری، فردوس؛ قائم‌مقامی، علی (۱۳۹۵ش). *استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم*، تهران، تاش.
- [۱۲] سبزواری، سیدعبدالاعلی، (۱۴۱۴هـ.ق) *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، موسسه المنار، بیروت، لبنان ج ۱۰، ص ۲۸۶.
- [۱۳] طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۴] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۹) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۵] حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، آل‌البیت
- [۱۶] فاتحی‌زاده، حسین، (۱۳۹۴)، *نظرات استدلالی شورای نگهبان لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین*، شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۳۴، تهران پژوهشکده شورای نگهبان، از ir.rc-shora.nazarat.ir
- [۱۷] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، ج ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۸] گزارش ششصد و پنجاه و ششمین جلسه مجمع مشورتی فقهی شورای محترم نگهبان در سال ۱۳۹۲ در خصوص لایحه معاهده استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین.
- [۱۹] گزارش دویست و هشتاد و هشتمین جلسه مجمع مشورتی فقهی شورای محترم نگهبان در ۱۳۸۵ در مورد لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان.
- [۲۰] نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل*، بیروت، نشر آل‌البیت.

